داروین در برابر والاس

منبع: صفحه از کتاب انسان شناسی زیستی، استانفورد و دیگران\*

ترجمه: هادی علایی

تصور کنید دانشمندی برجسته­اید که به مدت 20 سال، شبانه روز بر روی نظریه­ای پیش­گامانه که یقین دارید انقلابی در علوم زیستی پدید می­آورد، کار می­کنید. بعد ناگهان روزی بسته­ی پستی کوچکی از همکاری دریافت می­کنید که معصومانه پیش‌نویسی از مشروح همان نظریه را ضمیمه­ی نامه کرده است. به­علاوه، در متن نامه از شما تقاضا شده تا به بهبود نظریه کمک کرده و پیشنهادات خود را در راستای چگونگی انتشار آن اعلام کنید.

این وضعیتی بود که چارلز داروین در یکی از روزهای ژوئن 1858 خود را در آن گرفتار دید. بسته­ی پستی که در منزلش در انگلستان تحویل گرفت حاوی بسته­ای بود که با کشتی بخار از دورافتاده­ترین نقاط در جزایر اندونزی فرستاده شده بود. بسته­ی پستی آلفرد راسل والاس 2 ماه در راه بود. پس از آن­که والاس در مقاله­ای کوتاه نظریات اولیه­اش را در مورد تغییرات تطوری در بین جمعیت­های حیوانی منتشر کرده بود، داروین و والاس سال­ها به نامه نگاری با یکدیگر پرداخته بودند.

توضیحات روی جلد، نشان از ضمیمه­شدن نسخه­ای دست­نویس و با ذکر جزییات از نظریه­ای می­داد که نویسنده­اش سال­ها بر روی آن کار کرده بود. والاس عنوان متن دست­نویس خود را چنین تعیین کرده بود:"درباره­ی میل به جدا شدن گونه­ها از گونه­ی پایه". می­توان داروین را در حال باز کردن نامه، هنگامی که صفحه­ی اول آن متن در پیش چشمانش به حرکت درآمد، تصور کرد. بدون شک، او بلافاصله فهمید که این دست­نویس، نسخه­ای از نظریه­ی تطور از طریق انتخاب طبیعی را با اندکی تفاوت مطرح می­کند. والاس متن خود را با رد دیدگاه تطوری لامارک آغاز می‌کرد و سپس خطوط اصلی دیدگاه تطوری خود را مشخص می­کرد. این که برخی گونه­ها سازگار با طبیعت و برخی دیگر ناسازگارند و همچنین گرایش به ادامه­ی نسل در بین گونه­های سازگار به­طوری که نسل­های بعدی آن­ها سازگاری بیشتری با محیط خود داشته باشند. همچنین او نیز همانند داروین از دیدگاه­های توماس مالتوس پیرامون جمعیت­ها، در متن خود استفاده کرده بود. با این­حال دیدگاه آن­ها دو تفاوت عمده با یکدیگر داشت. والاس انتخاب مصنوعی-تولید مثل گزینش شده- را به­عنوان فرایندی متناظر با انتخاب طبیعی رد می­کرد درحالی­که داروین معتقد بود دامداران در اصل از فرایند طولانی انتخاب طبیعی تقلید می­کنند. همچنین والاس در مقایسه با داروین تاکید بیشتری بر جایگزینی گروه­ها و گونه­ها توسط گروه­ها و گونه­های دیگر داشت درحالی­که دیدگاه داروین بیشتر بر افراد متمرکز بود (در این مورد والاس آشکارا در اشتباه بود).

اگرچه تاریخ دقیق پاسخ داروین به نامه و دست­نوشته­ی والاس مشخص نیست اما از نامه­ها و یادداشت­های شخصی آن دو چنین برمی­آید که داروین چند هفته صبر کرد. در این مدت، آن­طور که در یادداشت­هایش ثبت کرده، در مورد این­که آیا نظراتش با بازخورد مثبت مواجه می­شود، تردید داشته است. او شباهت­های میان نظریه­ی خود و نظریه­ی والاس را چنین بیان می­کند:

هرگز با چنین همزمانی عجیبی روبرو نشده بودم. اگر والاس پیش‌نویس اولیه­­ای که در سال 1842 نوشتم را نیز در اختیار داشت، نمی­توانست خلاصه­ای بهتر از این از روی آن بنویسد (براون،2002).

در نهایت داروین در نامه­ای محترمانه که در آن اشاره­ای نیز به حق مالکیت شده بود، به والاس پاسخ داد. او به والاس یادآوری کرد که "تابستان امسال بیستمین سالی است که درباره­ی این­که گونه­ها چطور و از چه­طریق از یکدیگر متفاوت می­شوند، تحقیق و تفکر می­کنم". ظاهرا داروین چند هفته در این نگرانی به­سر برد که مبادا اصالت اثرش توسط والاس زیر سوال رود. اما متحدان وی، لایل و هوکر هرگز این نگرانی را نداشتند. آن­ها اصرار داشتند که حق تقدم با داروین است و باید در پاسخش به والاس بر این حق تاکید کرده و این نظریات را در جامعه­ی علمی بریتانیا ارائه کند.

داروین و متحدش هوکر در نامه­های جداگانه به والاس پیشنهاد کردند که داروین اجازه داشته باشد تا در جلسه­ای در انجمن لینیان لندن، متنی مشترک با مقدمه­ای از لایل و هوکر را ارائه کند. متنی که هردو نظریه را به­صورت همزمان مطرح می‌کند. والاس از این­که اثرش آن­چنان برجسته بوده که نظر چنین متفکرین بزرگی را به­خود جلب کرده، بسیار خوشحال بود. چند ماه بعد والاس نامه­ای دیگر از هوکر دریافت کرد که به وی اطلاع می­داد جلسه­ی ارائه­ی مشترک نظریات داروین-والاس با خواندن دو متن انجام شد، بدین ترتیب که نخست نظریه­ی داروین و سپس نظریه­ی والاس خوانده شد. در ادامه­ی ماجرا، این دیدگاه­ها در متنی مشترک به انتشار رسید که در آن ابتدا نام داروین و سپس نام والاس به­عنوان نویسندگان آمده بود. نام اصلی متن دست­نویس والاس تغییر یافته بود و اصطلاح انتخاب طبیعی که داروین آن­را ابداع کرده بود به آن اضافه شده بود.

سه عامل می­توانست نام داروین را به­عنوان بنیان­گذار نظریه­ی انتخاب طبیعی تضمین کند. نخست، والاس پذیرفت که داروین به مدت 20 سال به تفکر و نوشتن درباره­ی نظریاتش مشغول بوده و طرحی اولیه از نظریه­اش را در 1845 (در نسخه­ی بازبینی شده­ی سفرنامه­ی کشتی بیگل) منتشر کرده بود. دوم، والاس احترام بسیاری برای داروین به­عنوان فردی از طبقه­ی بالای اجتماع که متحدان علمی قدرتمندی دارد، قائل بود. سوم، والاس در آن زمان در جنگل­های مالزی به­سر می­برد و درنتیجه قادر نبود شخصا از ادعاهای خود دفاع کند و یا نظریاتش را در انجمن لینیان ارائه کند. اگر والاس آن زمان در لندن بود و اگر این چنین برای همکار ارشدش احترام قائل نبود، شاید نظریه­­ی منشاء گونه­ها به گونه­ای دیگر ظهور می­کرد.



تصویرA آلفرد راسل والاس

تصویر B: چارلز داروین

مطالب بیشتر در این مورد را در myanthrolab.com جستجو کنید.

منبع:

Craig Standford et al, 2013 (third edition), Biological Anthropology; the natural history of human kind, Pearson Education.